

سرهننگ دكتور جهانگير قائم مقامی

يك صفحه از تاريخ

رقابتهای روس و انگلیس در ایران

در زمان محمد شاه

امپراطوری روسیه بعد از جنگ دوم خود با ایران (۱۲۴۱ - ۱۲۴۳ هـ . ق) و بسته شدن معاهدات ترکمانچای (پنجم شعبان ۱۲۴۳ هـ . ق) مدتها گرفتار وقایع سیاسی اروپا و مسائل داخلی خود مانند امور مربوط به سیبری ، قرقیزستان و تاتارستان بود تا اینکه در سال ۱۲۵۴ هـ . ق (۱۸۳۸) بعد از فراغت از آن مسائل باز توجه خود را به سیاست توسعه طلبی و دستیابی به هندوستان معطوف نمود .

نخستین گامی که روسها در این راه برداشتند، فرستادن سپاهی به خلیفه بود که تلاشهای آنها با شکست روبرو شد (۲) و بر اثر همین شکست بود که به لزوم داشتن پایگاههایی در کرانه های ایرانی دریای خزر پی بردند و بناچار به منظور تهیه مقدمات کار و پیش بینی طرحهای اصولی و اساسی، اقدامات خود را تا سال ۱۲۶۲ هـ . ق (۱۸۴۶) در ترکمنستان متوقف نمودند . اما عهد نامه صلح ترکمانچای در فصل هشتم خود تکلیف و حقوق دولتهای ایران و روسیه را در پهنه دریای خزر بروشنی مشخص کرده بود .

در این فصل قید و تصریح شده بود :

« سفاین تجارتي روس مثل سابق حق خواهند داشت که بطور آزادی در دریای خزر و در امتداد آن سیر کرده و بکناره های آن فرود آیند و در موقع شکست و غرق در ایران معاونت و امداد خواهند یافت و سفاین تجارتي ایران هم حق خواهند داشت که بقرار سابق در بحر خزر سیر نموده و بسواحل روس بروند و در صورت غرق و شکست هم به آنها کمک و امداد خواهد شد .

اما در باب کشتی های جنگی ، چون آنهائیکه بیدی نظامی روس دارند از قدیم الایام بالانفراد حق سیر در بحر خزر را داشته اند ، حالا هم بدین سبب این امتیاز بهمان کشتی ها خواهد بود بطوریکه بغیر از دولت روسیه دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی

۱- معاهدات ترکمانچای شامل دو عهد نامه و دو قرارداد بوده است که همه بیک تاریخ و باین شرحند : الف - عهد نامه صلح و مرزی . ب - عهد نامه بازرگانی . پ - قرارداد تشریفات . ت - قرارداد غرامات و کورورات .

۲- پلا : هند و مسأله روس و انگلیس (ص ۱۱۴ - ۱۱۵)

L' Inde et la Question Anglo - Russe, par Commandant Plat.

Paris 1895.

در دریای خزر داشته باشد .

بطوریکه دیده می‌شود ، بموجب این فصل ، ایران و روسیه بطور تساوی حق داشتند در دریای خزر کشتی‌های تجارتی داشته باشند و به بنادر یکدیگر آمد و رفت نمایند اما در مورد کشتیهای جنگی ، بجز دولت روسیه هیچ يك از دولتهای دیگر حتی دولت ایران ، امتیاز داشتن کشتی جنگی در دریای خزر را نمی‌داشت (۱) و کشتی‌های جنگی روسیه هم فقط حق داشتند تك تك در آبهای خزر رفت و آمد کنند و اجازه نداشتند در بنادر ایران پهلو بگیرند .

همین نکتهٔ اخیر یعنی ممنوع بودن ورود کشتی‌های جنگی روسیه به بنادر ایران ، یکی از چند مورد مغایر با مصالح امپراطوری روسیه بود که هنگام بسته شدن عهد نامهٔ ترکمان چای با آنها توجه نشده بود (۲) و سرانجام در زمان پادشاهی محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ه . ق) موجب کشمکش‌هایی بین دو دولت ایران و روسیه شد که شرح آن موضوع مقالهٔ حاضر می‌باشد . (۳)

در این موقعیت سیاسی بود که دولت روسیه دریافت ماهدات ترکمانچای هم که در تکمیل مفاد عهد نامهٔ گلستان (۱۲۲۸ ه . ق) انعقاد یافته بود ، با همهٔ امتیازاتی که از نظر مصالح امپراتوری روسیه در برداشت باز منافع امپراتوری را کاملاً تأمین نمی‌کرد زیرا بهنگام بستن آن پیش‌بینی‌های لازم نشده بود و چون دردست داشتن چند پایگاه در کرانه‌های ایران ، بمنظور اجرای طرحهای دوربرد دولت روسیه در ناحیهٔ خاوری دریای خزر ، ارزش حیاتی می‌داشت بناچار روسها دست به تلاشهای وسیعی زدند از جمله اینکه جزایر آشوراده را بی سر و صدا اشغال کردند (۴) و استحکاماتی نظامی نیز در آنجا احداث نمودند و ضمناً

۱- سایکس در جلد دوم کتاب خود بنام « تاریخ ایران » می‌نویسد « وقتی که دربارهٔ این ماده در تهران مذاکره می‌شد ، حاجی میرزا آقاسی که بعدها وزیر محمد شاه شد این مطلب را خلاصه کرده چنین فریاد کرد: ما از آب شورچه می‌خواهیم ، ترجمهٔ فارسی ص ۴۵۶
 ۲- برای نمونه می‌توان موضوع مهاجرین را ذکر کرد که در فصل چهاردهم عهدنامهٔ صلح بطور وضوح و قاطع بیان نشده بود و در سال ۱۲۶۰ ه . ق (ژوئیه ۱۸۴۴) قراردادی بمنظور تفسیر و توضیح آن بین ایران و روسیه بسته شد (ر.ک. مجموعهٔ ماهدات تألیف مؤتمن‌الملک ص ۱۴۲ - ص ۱۴۳) و همچنین تصحیحاتی را که با انعقاد قرارداد سال ۱۲۹۹ (۲۲ محرم = ۲۱ دسامبر ۱۸۸۱) در فصل چهارم آن عهد نامه مربوط به خط مرزی دولتی و تمویض قطعه زمینی واقع در ساحل راست ارس در محل قلمهٔ عباس آباد با آبادی سرحدی فیروزه و نواحی آن صورت گرفت باید یادآور گردید . (ر.ک. همان کتاب ص ۱۴۷ تا ص ۱۵۳ و ص ۱۵۸ تا ص ۱۶۴) .

۳- مدارک اصلی ما در تنظیم این مقاله اسناد مربوط بایران موجود در آرشیووزارت امور خارجهٔ فرانسه می‌باشد .
 ۴- در بارهٔ اشغال آشوراده به کتاب سایکس ج ۲ ص ۴۹۵ - ۴۹۷ و کتاب میرزاتقی خان امیرکبیر تألیف حسین مکی (ص ۲۸۰ = ۲۷۵) و کتاب ایران و امیرکبیر تألیف دکتر آدمیت از ص ۴۶۶ - ۵۰۴ چاپ سوم مراجعه کنید .

در حدود سال ۱۲۶۰ هـ. ق (۱۸۴۴) چهار کشتی تجاری برای ارتباط با سواحل ایران در نظر گرفتند که مرتباً بین حاجی طرخان و شهرهای رشت و استراباد دررفت و آمد باشند. این کشتی ها که پرچم جنگی روسیه داشتند و بوسیله افسران نیروی دریایی روسیه رهبری می شدند در ظاهر به حمل کالاهای بازرگانی مشغول بودند (۱) از طرفی در همین موقع دولت روسیه از ایران خواست اجازه داده شود بیمارستانی برای اتباع و سرنشینان کشتی های روسی بنا شود و بی آنکه منتظر اجازه دولت ایران هم بشوند ، خود در گرگان (استراباد) به احداث ساختمانی مبادرت کردند (۲) ولی اقدامات آنها با اعتراض و مخالفت های دولت ایران روبرو گردید و بخصوص اجازه داده نشد کشتی های جنگی آنها به آبهای ایران وارد گردند .

روسها که اعتراض و مخالفت دولت ایران را ناشی از نفوذ و توصیه انگلیسها می دانستند، در روابط خود با سفیر انگلیس در ایران سردی محسوس نشان دادند (۳) و برای درهم شکستن این محاصره سیاسی به خدعه ای متوسل شدند و آن چنین بود که می بینیم در رمضان ۱۲۶۲ (سپتامبر ۱۸۴۶) ، پرنس گالی زین Prince Gallizine آجودان مخصوص وزیر دریایی روسیه يك کشتی کوچک بخاری به شاه ایران اهدا می کند و آنرا روی یکی از چهار کشتی بخاری مذکور بسوی ایران حمل کردند و در نظر داشتند با عده بی کارگر و ملوان به بندر انزلی (پهلوی) و از آنجا در مسیر سفید رود تا قسمتی که قابل کشتی رانی است بفرستند و کلیه هزینه سوار کردن و اعزام کارگران و بازگشت آنها را نیز خود متقبل شده بودند (۴) و با این نیرنگ بود

۱- اسناد ایران در آرشیو وزارت امور خارجه فرانسه جلد ۲۱ سری مکاتبات سیاسی، گزارش کنت دوسارتیز بر گ ۲۳۱ .

۲- همان مدرك بوگ ۲۳۲ - لرد کرزن در مورد اهمیت نظامی استراباد فصل هشتم از کتاب « ایران و مسأله ایران » زیر عنوان « دلیل کوشش روسیه در باب استراباد » می نویسد « نباید چنین خیال نمود که چون استراباد نزدیک دریاست، روسیه می خواهد آنرا تصرف نماید بلکه اگر خطی از بادکوبه بهرات بکشند ، استراباد در آن خط واقع می شود و بهمین ملاحظه ناپلئون و پل می خواستند این مکان را متصرف شوند تا اینکه از روی خشکی بتوانند با هند جنگ نمایند . علاوه بر این هر قشونی که می خواسته از اروپا به مشهد و هرات برود لابد از استراباد عبور می نمود» (ترجمه فارسی ج ۲ نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی) .

۳- اسناد ایران : مکاتبات سیاسی جلد ۲۲ بر گ ۲۴ .

در این زمان هیأتی انگلیسی با اسم تجسس و تحقیق در باره يك افسر انگلیسی که از ده سال پیش در راه خیره مفقود شده بود ، در حدود گرگان (استراباد) بودند و در حقیقت امکانات و راههای آن ناحیه را که به هندوستان منتهی می شد بررسی و شناسایی می کردند. (گزارش کنت دوسارتیز مورخه ۳۱ مارس ۱۸۴۶ جلد ۱۱ بر گ ۲۳۲ مکاتبات سیاسی) .

۴- اسناد ایران : مکاتبات سیاسی جلد ۲۲ بر گ ۲۴ .

گزارش مورخه ۳۰ سپتامبر ۱۸۴۶ .

که می‌خواستند دولت ایران را در بن بستنی قرار دهند تا بملاحظه احترام هدیه دولت روسیه نتواند از ورود کشتی‌های جنگی آنها به بنادر خود جلوگیری نماید .

کنت دوسارتیژ Le Cte de Sartige نماینده دولت فرانسه که مقارن این احوال در ایران بوده است ، بعد از بیان نیرنگ روسها در گزارش خود اضافه می‌کند : « امکان زیاد هست که بر اثر این اقدام دولت روسیه که بظاهر احترامی است به شخص پادشاه ایران و صورتی کاملاً تشریفاتی دارد ، دولت ایران از مخالفت و اصرار خود در جلوگیری از ورود کشتی های جنگی روسیه به کرانه ها و بنادر خود دست بردارد » . (۱)

اما حاجی میرزا آقاسی چنانکه کنت دوسارتیژ نوشته است در مخالفت خود باقی بود و به مأموران ایرانی در بنادر انزلی (پهلوی) و استراباد (گرگان) دستور اکید صادر کرد تا از ورود این کشتی‌ها بپرهنجو هست حتی اگر لازم شود بطرف آنها تیراندازی نمایند جلوگیری شود. ولی کشتی روسی حامل کشتی اهدائی امپراتوری روسیه به بندر پهلوی رسید و هنگامی که می‌خواست وارد خلیج شود، مأمور ایرانی با مسأله دشوار و پیچیده‌یی روبرو بود زیرا دستور داشت از ورود کشتی‌ها به بندر جلوگیری کند و اگر کشتی مزبور بزور داخل خلیج می‌شد او نمی‌توانست بطرف آن که حامل نامه امپراتور و هدیه دولت روسیه می‌بود تیراندازی کند . بناچار خود به کشتی روسی رفت و فرمان دولت ایران را به آنها ابلاغ کرد و برای اثبات دعوی خود، عین حکم دولت را هم نشان داد. فرمانده کشتی، حکم مزبور را گرفت و با کشتی وارد خلیج شد و لنگر انداخت . کشتی اهدائی را از کشتی پیاده نمود، و دستور کتبی حاجی میرزا آقاسی را به سفیر روسیه که در آنجا حضور داشت سپرد و او آنها فوراً به سن پترزبورگ فرستاد .

متعاقب این وضع ، نامه‌یی از امپراتور روسیه رسید که بخط خود او و حاکی از گله از پادشاه ایران و شکایت از صدراعظم بود که بدین گونه از برقراری روابط بازرگانی بین دو دولت جلوگیری می‌کنند و ضمناً اضافه کرده بود « یک چنین وضعی برای دولت روسیه نمی‌تواند قابل تحمل و قبول باشد و حکومت ایران باید در رفع یا ادامه آن زودتر تصمیم قاطع اتخاذ نماید و بملاوه دولت روسیه انتظار دارد هر چه زودتر معلوم شود که آیا دولت ایران با دولت امپراطوری روسیه حالت و وضع دوستی دارد و می‌خواهد مانند یک دوست رفتار نماید و یا مثل یک خصم و دشمن اوست » . (۲)

محمد شاه که از این پیش آمد سخت نگران و مضطرب شده بود، نامه امپراتور را بر حسب معمول و همیشه ، بدست حاجی داد و حاجی میرزا آقاسی بجای آنکه درباره موضوع و حقانیت ایران گفتگو کند ، اظهار کرد : « رفتار مأمور ایرانی که مانع ورود کشتی روسی به بندر و خلیج ایران شده است بکلی خودسرانه و بدون اطلاع دولت بوده است و دولت ایران برای جلب رضایت خاطر امپراتور روسیه و بمنوان عذرخواهی از این پیش آمد حاضر است گوشهای مأمور خاطی را برای امپراتور بفرستد » . (۳) ولی در جوابی که از امپراتور

۱- اسناد ایران : مکتوبات سیاسی جلد ۲۲ برگه ۲۴ . ۲- همان مدرک برگه های

۳۶ و ۳۷ . ۳- همان مدرک برگه ۳۷ .

رسید، نوشته شده بود و برخلاف اظهارات آن دولت مأمور مزبور نه تنها هیچ تفسیری نداشته بلکه او بر طبق دستور و حکمی که دریافت داشته بود رفتار کرده است و برخلاف نظر آن دولت او را که از خدمتگزاران وفادار و درستکار شاه است باید تشویق نمود.

پس از این صحنه سازیها، سفیر روسیه، پرنس دالگوروکی Prince Dalgorouki نزد صدراعظم رفت و از دولت ایران خواست فوراً دستوری برخلاف دستور سابق صادر شود مبنی بر اینکه ورود کشتی‌های جنگی روسیه بخلیج انزلی (پهلوی) و سایر بنادر ایران آزاد است و گرنه او دستور دارد فوراً ایران را ترک گفته و به سن پترزبورگ بازگردد و قطعی است که روابط دوستانه با ایران از این تاریخ قطع خواهد شد و نیز اضافه کرد: تا روشن شدن تکلیف، از پایتخت بیرون خواهد رفت و در یکی از آبادی‌های نزدیک تهران در انتظار دریافت پاسخ نهائی دولت ایران خواهد ماند. (۱)

پس از هشت روز محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی با یکدیگر شور و گفتگو کردند، سرانجام به پیشنهاد روسها تن دردادند و فردای آنروز به پرنس دالگوروکی اطلاع داده شد که دولت ایران بر حسب خواهش امپراطور روسیه، اجازه می‌دهد کشتی‌های جنگی روسیه در بنادر ایرانی دریای خزر پهلو بگیرند. (۲)

این امتیاز چون به روسها واگذار شد، دالگوروکی از موقع استفاده کرد و درخواست واگذاری دو امتیاز دیگر را نمود که عبارت بودند از:

۱- تجدید امتیاز صید ماهی در دریای خزر. (۳)

۲- واگذاری امتیاز استخراج و یا فروش معدن زغال سنگی که در زمینهای ساحلی نزدیک استرآباد (گرگان) قرار داشت. (۴)

در مورد امتیاز صید ماهی، روسها پیشنهاد کرده بودند که سالیانه مبلغ بیست هزار تومان خواهند پرداخت. اما چون عواید شیلات از سالها پیش، از طرف شاه به صدراعظم اعطا شده بود و حاجی میرزا آقاسی میدانست درآمد شیلات خیلی بیشتر از میاشی است که روسها پیشنهاد کرده‌اند، پاسخ را به امروز و فردا می‌انداخت و قصد او از این کار این بود که شاید بتواند لااقل نیمی از درآمد شیلات را از روسها بگیرد. (۵)

و اما معدن زغال سنگ گرگان (استرآباد) به محمد شاه تعلق داشت و او برای جلب رضایت روسها امتیاز آنها را بآنها واگذار نمود.

بدینگونه روسها در صحنه رقابتهای خود با انگلیس‌ها در ایران و آسیا میانی نفوذ و قدرت خود را مستحکمتر کردند و با بدست آوردن پایگاههایی در کرانه‌های جنوبی دریای خزر، اشغال خطه ترکستان را که مقدمه دستیابی به هندوستان می‌بود تسهیل نمودند چنانکه لشکر کشی‌های اساسی و عمده آنها برای تصاحب ترکستان از همین سال آغاز شد و در ظرف

۱- اسناد ایران: مکاتبات سیاسی جلد ۲۲ بر گه ۳۸. ۲- همان مدرک و همان برگه

۳- همان مدرک و همان برگه. ۴- همان مدرک بر گه ۳۹. ۵- همان مدرک و همان برگه و برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد سر نوشت این امتیاز به کتاب میرزا تقی خان امیر کبیر تألیف مکی از ص ۱۴۱ تا ۱۵۳ رجوع نمایید.